

The Future of the Hybrid War of Islamic Resistance Axis and Israel in 2030 Perspective

Gholamreza Khajehsarvi

Corresponding Author, Professor of Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: sarvireza1968@gmail.com

Fatemeh Soury

PhD Candidate in Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: f_soury@yahoo.com

Abstract

The struggle between Israel and the Resistance, one of the longest running conflicts in the West Asian region, has become more complicated in recent years due to the development of military technology. The turning point in this war can be seen in the 33-day war between Israel and the Lebanese Hezbollah in 2006, in which Hezbollah, as a non-state armed group equipped with high-tech weapons and other destructive technologies, was able to challenge Israel's deterrence. In addition, other resistance groups in Palestine, Yemen and Iraq have in recent years been able to shock Israel's defence forces with their conventional and unconventional warfare on a decentralised tactical level. At the same time, Israel's 2030 vision of its national security strategy, compiled in 2018, emphasises the strengthening of its national security and defence system. The expansion of the combined battle between the resistance axis and Israel raises the question of what are the main drivers of the resistance axis's combined battle with Israel in 2030? This article attempts to answer this question using the method of trend analysis. The results of the research show that the future of the combined resistance-oriented struggle with Israel depends mainly on the drivers of "access to new technologies", "the ability to build regional coalitions", "the ability to deter cognitive and visual" and "the creation of a strategic culture".

Keywords: Axis of resistance, Israel, hybrid war, Hezbollah and cyber war.

E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



 10.22034/fr.2024.403607.1403

آینده نبرد ترکیبی محور مقاومت اسلامی و

اسرائیل در چشم‌انداز ۲۰۳۰

غلامرضا خواجه سروی

نویسنده مسئول، استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: sarvireza1968@gmail.com

فاطمه سوری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: f_soury@yahoo.com

چکیده

نبرد محور مقاومت و اسرائیل به‌عنوان یکی از منازعات دیرپا در منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر به‌واسطه تحول فناوری نظامی پیچیده‌تر شده است. نقطه عطف این جنگ را می‌توان در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ دانست که در آن حزب‌الله، به‌عنوان یک گروه مسلح غیردولتی، مجهز به تسلیحات با فناوری پیشرفته و سایر فناوری‌های مخرب، توانست بازدارندگی اسرائیل را به چالش بکشد. علاوه بر آن سایر گروه‌های مقاومت در فلسطین، یمن و عراق نیز در سال‌های اخیر توانسته‌اند به‌صورت غیرمتمرکز در سطوح تاکتیکی، نیروهای دفاعی اسرائیل را با انواع جنگ متعارف و غیرمتعارف خود شوکه کنند. این در حالی است که اسرائیل در چشم‌انداز ۲۰۳۰ استراتژی امنیت ملی خود که در سال ۲۰۱۸ تدوین کرد بر تقویت سیستم امنیت ملی و دفاعی خود تأکید دارد. گسترش نبرد ترکیبی میان محور مقاومت و اسرائیل این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که مهم‌ترین پیشران‌های نبرد ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل ۲۰۳۰ کدام‌اند؟ مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل روند تلاش دارد به سؤال مزبور پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آینده نبرد ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل بیش از هر چیز تابعی از پیشران‌های «دسترسی به فناوری‌های نوین»، «توانایی ائتلاف‌سازی منطقه‌ای»، «توانایی بازدارندگی شناختی و تصویرسازی» و «ایجاد فرهنگ راهبردی» است.

کلیدواژه‌ها: محور مقاومت، اسرائیل، جنگ ترکیبی، حزب‌الله و جنگ سایبری.

مقدمه و بیان مسئله

با افزایش تدریجی منازعات مسلحانه در سراسر جهان، سطح خشونت از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد به اوج خود رسیده است. به‌طور هم‌زمان، تغییرات سریعی در حوزه‌های ژئوپلیتیک، اقتصادی، اجتماعی، فناوری مشاهده شده است که بر محیط ژئواستراتژیک در حال ظهور تأثیر گذاشته است. انگاره‌ای که وجود دارد این است که با توجه به قدرت مخرب متقابل سلاح‌های هسته‌ای و کنوانسیون‌های حقوقی بین‌المللی، احتمال جنگ‌های همه‌جانبه بین قدرت‌های جهانی بسیار کم است. با این حال، احتمال درگیری‌های فرعی یا درگیری‌های محدود در مناطق مختلف، با نقش فعال کنشگران غیردولتی و پتانسیل سرایت به یک درگیری بزرگ، زیاد است. ویژگی کلیدی محیط امنیتی در سال‌های اخیر عمدتاً طیفی از تهدیدات نامتقارن بوده است که نقش بیشتری را برای شکل‌گیری جنگ فراهم می‌کند.

یکی از مهم‌ترین منازعات منطقه غرب آسیا مربوط به نبرد میان محور مقاومت اسلامی و اسرائیل است که در نتیجه تحولات حوزه فناوری و ژئوپلیتیک ماهیتی پیچیده پیدا کرده است. منظور از «محور مقاومت» شبکه‌ای از گروه‌های اسلامی مبارز علیه اسرائیل است که هدف آن‌ها آزادی بیت‌المقدس است. اگرچه نمی‌توان همه گروه‌های این محور را به لحاظ سطح آمادگی و تاکتیکی در یک مقوله ارزیابی کرد، هماهنگی اهداف راهبردی و بلندمدت آن‌ها موجب می‌شود از این گروه‌های تحت عنوان یک محور یاد کرد.

نقطه عطف نبرد ترکیبی محور مقاومت علیه اسرائیل به جنگ ۳۳ روزه اسرائیل علیه حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶ بر می‌گردد که در آن حزب‌الله، به‌عنوان یک گروه مسلح غیردولتی، توانست با استفاده از تسلیحات با فناوری پیشرفته به‌صورت غیرمتمرکز در سطوح تاکتیکی نیروهای دفاعی اسرائیل را با انواع جنگ متعارف و غیرمتعارف خود شوکه کند.

پس‌از آن حملات غافلگیرکننده حماس علیه اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ عناصر چندوجهی و ترکیبی از جنگ متعارف (باران موشک) و غیرمتعارف (اپراتورهای شورش و پاراگلایدر) برای دستیابی به هدف اصلی خود یعنی گسترش ترس و وحشت از طریق اعمال وحشیانه به سبک نوین بودند. توانایی حمله حماس به اسرائیل در پنجاهمین سالگرد جنگ یوم کیپور، ظهور جنگ ترکیبی را به‌عنوان مفهومی از درگیری مدرن برجسته می‌کند.

نبردهای ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل، گویای این است که فرضیه «برتری نظامی» اسرائیل که همواره بر آن تکیه کرده است چندان نمی‌تواند امنیت و بقای آن را تضمین کند. با این حال حمایت همه‌جانبه غرب به‌ویژه ایالات متحده از اسرائیل این سؤال را به ذهن متبادر می‌سازد که آینده نبرد ترکیبی مقاومت و اسرائیل در چشم‌انداز آینده ۲۰۳۰ چگونه خواهد بود.

به‌منظور پاسخگویی به این سؤال مقاله حاضر از چند بخش تشکیل شده است. در بخش اول تلاش می‌شود با استفاده از چهارچوب مفهومی جنگ ترکیبی، ماهیت و ابعاد این جنگ برای مخاطب روشن شود. در بخش دوم، نویسندگان با استفاده از روش تحلیل روند، مهم‌ترین روندهای حاکم بر این نبرد ترکیبی را استخراج کرده‌اند. در بخش سوم به مهم‌ترین پیشران‌های نبرد ترکیبی مقاومت اسلامی و اسرائیل پرداخته می‌شود که به‌نوعی تعیین‌کننده آینده آن هستند.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد نبرد میان محور مقاومت با اسرائیل تحقیقات مختلفی انجام شده است. با این حال در مورد نبرد ترکیبی میان آن دو تحقیقات اندکی وجود دارد. می‌توان کارهای مرتبط با این حوزه را به چند مورد ذیل خلاصه کرد:

یزدانی و عیدی نیشابوری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به ماهیت و خصوصیات تهدیدات ترکیبی علیه محور مقاومت در منطقه غرب آسیا پرداخته‌اند. نویسندگان معتقدند که تهدیداتی شبکه محور، متنوع و هوشمندانه در قالب نسل پنجم از جنگ‌ها در سطح جغرافیای محور مقاومت، با عنوان تهدیدات ترکیبی اجرایی گردیده که بازیگران ترکیبی در محیطی خاکستری به اعمال فشار هوشمندانه بر آسیب‌پذیری‌های کشورهای منطقه پرداخته و هدف تغییر ساختار منطقه، عادی‌سازی و ایجاد نظم مطلوب خود را با تضعیف و یا انهدام محور مقاومت تعقیب می‌نمایند.

رسولی ثانی آبادی و روستایی (۱۳۹۸) نیز با نگاهی به چگونگی اتحاد اعراب و اسرائیل علیه محور مقاومت در قالب موازنه تهدید به این نتیجه می‌رسند که این ائتلاف بیش از هر چیز ناشی از قدرتمند شدن جمهوری اسلامی به‌عنوان مرکز اصلی مقاومت علیه اسرائیل است. آن‌ها معتقدند قدرت‌یابی محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران با تلاش برای تغییر نظم منطقه‌ای به سود خود باعث شکل‌گیری تهدیدی مشترک در میان اعراب و اسرائیل شده و آن‌ها را به‌سوی ائتلافی تاکتیکی با یکدیگر کشانده است. در نقد این دیدگاه می‌توان گفت

نویسندگان صرفاً به یک بُعد از شکل‌گیری ائتلاف پرداخته‌اند و در ماندگی کشورهای عربی در این حوزه را نادیده گرفته‌اند.

موسسه رند (۲۰۱۰) نیز در گزارشی با عنوان «قابلیت‌های نظامی برای جنگ ترکیبی بینش نیروهای دفاعی اسرائیل در لبنان و غزه» به قلم دیوید جانسون پس از جنگ‌های حزب‌الله و حماس علیه اسرائیل به کسب تجربیات برای این رژیم تأکید دارد و اصول اولیه آتش و مانور تسلیحات ترکیبی برای عملیات موفقیت‌آمیز علیه مخالفان ترکیبی پیچیده که مانند حزب‌الله و حماس، آموزش، سازمان‌دهی و تسلیحات پیشرفته کمی دارند، به‌ویژه اگر «در میان مردم» عمل کنند، ضروری می‌داند. این گزارش همچنین مدعی است، آتش‌سوزی‌های دقیق برای مقابله با حریفان ترکیبی پیچیده حیاتی هستند، اما کافی نیستند. علاوه بر این، پشتیبانی هوا، توپخانه و سیستم هوایی بدون سرنشین پاسخگو و کافی از اجزای حیاتی جنگ ترکیبی علیه مخالفان هستند. در نهایت، نیروهای سنگین - مبتنی بر تانک‌ها و خودروهای جنگی پیاده‌نظام - عناصر کلیدی هر نیرویی هستند که با مخالفان نامنظم پیچیده مبارزه می‌کنند، زیرا خطر عملیاتی را کاهش می‌دهند و تلفات دوستانه را به حداقل می‌رسانند.

مطالعات موجود هرچند بر تغییر ماهیت نبرد مقاومت اسلامی و اسرائیل به سوی جنگ‌های مدرن تأکید دارند، در مورد آینده آن و اینکه روندهای این نبرد مطالبی را ارائه نمی‌دهند. بر این اساس و با توجه به اهمیت و ضرورت این نبرد در آینده، نویسندگان به تحلیل نبرد در قالب روش آینده‌پژوهی اهتمام ورزیده‌اند.

۲. چهارچوب نظری

این تحقیق اساساً از چهارچوب جنگ ترکیبی هافمن استفاده می‌کند. ظهور جنگ ترکیبی به معنای پایان جنگ متعارف نیست. با این حال، جنگ ترکیبی استراتژی جنگی متفاوتی را توصیف می‌کند که عموماً در قرن بیست و یکم ظاهر می‌شود. جنگ در دوران پست‌مدرن مترادف با «جنگ ترکیبی» است که به‌عنوان جنگی تعریف می‌شود که شامل انواع شیوه‌های مختلف جنگ با ترکیبی از روش‌های متعارف و مدرن، تاکتیک‌ها و تشکیلات نامنظم، اقدامات تروریستی و شورش، غیردولتی، بازیگران علیه دولت، استفاده از رسانه‌ها و اطلاعات، و ابهام بین جنگ و صلح است (Hoffman, 2007).

هافمن جنگ ترکیبی را این‌گونه تعریف می‌کند: «جنگ‌های ترکیبی طیفی از شیوه‌های مختلف جنگ، از جمله قابلیت‌های متعارف، تاکتیک‌ها و تشکلهای نامنظم، اقدامات تروریستی از جمله خشونت و زور بی‌رویه و بی‌نظمی جنایی را در برمی‌گیرند». در جنگ ترکیبی، کنشگران تنوع بیشتری پیدا می‌کنند؛ این بدان معنی است که جنگ می‌تواند بین دو کشور، بین کشورها و بازیگران غیردولتی و یا بین بازیگران غیردولتی انجام شود. این بازیگران غیردولتی می‌توانند از نظر سازمانی دارای یک سلسله‌مراتب سیاسی ساختاریافته و شبکه‌های واحد تاکتیکی باشند، نمونه‌هایی از بازیگران غیردولتی، در این مورد، حماس و حزب‌الله هستند (Hoffman, 2007).

برخی دیگر ادعا می‌کنند که مفهوم جنگ ترکیبی پدیده‌ای جدید است که توسط بازیگران جدید غیردولتی اجرا شده است (Jasper and Moreland, 2014) پینجک^۱ (۲۰۱۴) ادعا می‌کند که جنگ ترکیبی شامل تلاش‌هایی چندلایه است که هدف آن بی‌ثبات کردن یک دولت کارآمد و قطبی کردن جامعه آن است. بنابراین، هدف دشمن، تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیرندگان از طریق ترکیب عملیات جنبشی با تلاش‌های خرابکارانه است. طبق گفته پینجک معمولاً برای جلوگیری از انتساب یا تلافی، متجاوز با استفاده از جنگ ترکیبی اقدامات مخفیانه‌ای انجام می‌دهد که هیچ سلاح نظامی نمی‌تواند آن را انجام دهد. از این نظر، دیپ^۲ (۲۰۱۵) استدلال می‌کند که جنگ ترکیبی «پتانسیل تغییر محاسبات استراتژیک متخاصمان بالقوه را به دلیل ظهور بازیگران غیردولتی، فناوری اطلاعات و تکثیر سیستم‌های تسلیحاتی پیشرفته دارد» (Deep, 2015).

«گانور»^۳ با توجه به سازمان‌های غیردولتی ترکیبی، ادعا می‌کند که این گروه‌ها در دو حوزه فعالیت می‌کنند، حوزه شبه مشروع رفاهی و فعالیت‌های سیاسی و حوزه خشونت و تروریسم.

اگرچه نمونه‌های فراوانی از ژنرال‌ها و فرمانروایان دوران باستان وجود دارد که از ابزارهای جنگی منظم و نامنظم علیه دشمنان خود در سطوح استراتژیک و تاکتیکی استفاده کرده‌اند، اصطلاح «جنگ ترکیبی» حداقل در سال ۲۰۰۵ در متون امنیتی گسترش یافت و به‌طور مشخص برای توصیف استراتژی و تاکتیک‌های به‌کار گرفته

1. Pindjak
2. Deep
3. Ganor

شده توسط حزب‌الله در جنگ اسرائیل و حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ مورد استفاده گسترده قرار گرفت. از آن زمان، اصطلاح «هیبرید» بر بسیاری از بحث‌ها در مورد جنگ‌های مدرن و آینده متداول شده است تا جایی که امروزه این اصطلاح و مفهوم توسط رهبران ارشد نظامی پذیرفته شده است. امروزه، در عصر دیجیتال، طیف وسیعی از ابزارهای ترکیبی موجود است که کشورها را قادر می‌سازد تا با حداقل هزینه هرچند حتی بدون جنگیدن با یک جنگ واقعی به اهداف خود دست یابند؛ بنابراین، جنگ ترکیبی میدان‌های نبرد جدید آینده هستند، زیرا چالش بزرگی برای امنیت و عناصر قدرت ملی به وجود می‌آورند. این مقاله تلاش دارد با استفاده از مفهوم جنگ ترکیبی، ابعاد نبرد میان محور مقاومت و اسرائیل را روشن کند. همچنین تلاش می‌شود با استفاده از شناسایی پیش‌ران‌های نبرد ترکیبی مزبور، تصویری روشن از آینده ارائه کند.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از حیث ماهوی، یک تحقیق کیفی و از نوع روند پژوهی است که در ذیل روش‌های آینده‌پژوهی قرار دارد. از آنجایی که استخراج روندها امری استنباطی است (احمدیان و پدram، ۱۳۹۴: ۵۷) راهبرد نویسندگان مبتنی بر استنباط از متون موجود بوده است. الگوی مزبور، از تبیین مسئله و شناسایی مؤلفه‌ها آغاز و از طریق تحلیلی نیروهای پیش‌ران به ترسیم چشم‌انداز آینده ختم می‌شود. روش‌های گردآوری داده‌ها در این پژوهش مبتنی بر مرور منابع و اسناد و پویش محیطی است. هدف از مرور منابع و پویش محیطی، شناسایی مورد مطالعه یعنی جنگ ترکیبی محور مقاومت و اسرائیل و مؤلفه‌های اثرگذار بر آن بوده است. در مقاله حاضر از طریق مراجعه به کتب، گزارش‌ها و مقالات موجود، تعداد قابل‌توجهی از روندها شناسایی شد. روندها و مؤلفه‌های شناسایی‌شده در بخش مرور اسناد و منابع نهایی شد.

این مقاله رویکردی موضوعی را اتخاذ می‌کند که نشان می‌دهد چگونه متغیرهای مختلف - ژئوپلیتیکی، نظامی، سایبری و فضایی - هدایتگر جنگ ترکیبی میان مقاومت اسلامی و اسرائیل هستند. در هر حوزه، چندین روند اصلی را شناسایی کردیم. روش‌های انتخاب این روندها همان‌طور که اشاره شد عموماً بر اساس بررسی سایر کارهای علمی و تجزیه و تحلیل مجموعه‌های داده‌های مختلف بوده است.

در طول این تحقیق، ما از ادبیات موجود در حوزه‌های مختلف دولتی، نظامی، دانشگاهی و سیاسی از چندین مراکز علمی و اجرایی برای دیدگاه‌های خود در مورد روندهای منطقه‌ای و جهانی که ممکن است آینده درگیری مقاومت با اسرائیل را تا فاصله زمانی ۲۰۳۰ شکل دهند استفاده کردیم؛ مانند هر مطالعه‌ای در این حوزه، روندهای بالقوه بیشتری وجود داشتند که می‌توانستند به‌طور عمیق بررسی شوند؛ اما به دلیل حجم محدود در این مقاله قابل‌بررسی نبودند. باین‌حال، هر یک از این روندها آینده تعارض را به شیوه‌های عمیقی در سال‌های آینده شکل خواهند داد.

۴. نگاهی کلی به نبرد ترکیبی محور مقاومت و اسرائیل

بنیان‌گذاران اسرائیل، از همان ابتدا به دلیل پیچیدگی‌های موجود در نحوه بنیان‌گذاری آن و این واقعیت که توسط دشمنان محاصره‌شده بود، دیدگاه بدبینانه‌ای نسبت به بقای آن داشتند. نگرانی اساسی این بود که این رژیم هم از نظر مساحت و هم از نظر جمعیت بسیار کوچک بود. در مقام مقایسه، ۲ میلیون اسرائیل توسط ۴۰۰ میلیون عرب محاصره‌شده بودند. مهم‌تر از هر چیز، این رژیم دارای جمعیتی یهودی بود که توسط اکثر کشورهای مسلمان احاطه شده بود. از این‌رو، اعتقاد بر این بود که بقای طولانی‌مدت رژیم در چنین شرایطی دشوار خواهد بود؛ مشخص شد که حتی برای هم‌زیستی اسرائیل به یک استراتژی نظامی برتر و ترکیبی از ارتش‌های قدرتمند و ذخیره نیاز دارد.

با در نظر گرفتن این موارد، دکترین اصلی نظامی اسرائیل در ابتدا با سه مؤلفه استراتژیک زیر تنظیم شده بود: ابتدا، این که با توجه به وسعت اسرائیل نمی‌توان جنگ را در خاک آن انجام داد، در نتیجه خسارات و ویرانی‌های بیشتری را به همراه داشت، بنابراین جنگ باید فقط در زمین دشمن انجام شود. دوم، جنگ باید کوتاه‌مدت باشد تا اقتصاد آن سقوط نکند و سوم، اسرائیل باید از متحدان خارجی خود (آمریکا و سایر متحدان) برای جنگیدن برای خود کمک بگیرد زیرا برای حفظ منطقه نیاز به حمایت مستمر قدرت‌های خارجی داشت (Susser, 2019).

باین‌حال، سیاست‌های اسرائیل در قبال دشمنانش طی یک دوره زمانی تغییر کرده است. به‌عنوان مثال، در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ صهیونیسم در محاصره دشمنان عرب قرار گرفت و بنابر این تصمیم گرفت با کشورهای پیرامونی خود مانند ایران و ترکیه روابط دوستانه برقرار کند. اما حالا معادله عوض شده است. با توجه به «ضعف» اعراب و معاهدات صلح متعاقب آن بین اسرائیل، مصر و اردن پس از جنگ

یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ دکتین آن به سمت برقراری یک صلح همزیستی سوق پیدا کرد.

بنابراین، امروز بزرگ‌ترین نگرانی برای اسرائیل، «پیرامون» و مهم‌تر از هر چیز جمهوری اسلامی است. ایران که زمانی «دوست پیرامونی» بود، امروزه به «دشمن سرسخت» رژیم تبدیل شده است. عامل فاصله، موجب توجه ایران به جنگ‌های نیابتی در قالب شبکه محور مقاومت مانند حزب‌الله، شده است. نیروهای مقاومت با قابلیت‌های توسعه موشکی خود این پتانسیل را دارند که هسته دکتین نظامی اسرائیل مبنی بر عدم جنگ در خاک خود را تغییر دهد.

این ترس‌ها در جنگ سال ۲۰۰۶ که اسرائیل با حزب‌الله به‌عنوان یک کنشگر غیردولتی مستقر در لبنان جنگید، به حقیقت پیوست. در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و حزب‌الله، ارتش اسرائیل، یکی از پیشرفته‌ترین ارتش‌های جهان از نظر فناوری، در مقابل حزب‌الله در جنوب لبنان قرار گرفت. حزب‌الله، به‌عنوان یک گروه مسلح غیردولتی، به تسلیحات با فناوری پیشرفته و سایر فناوری‌های مخرب، مانند مهمات هدایت شونده دقیق، موشک‌های ضدتانک و وسایل نقلیه هوایی بدون سرنشین (پهپاد) مسلح شده بود که به‌طور سنتی توسط نیروهای متعارف یک کشور استفاده می‌شود. نیروهای حزب‌الله بالگردهای اسرائیل را سرنگون کردند، یک قایق گشتی را با موشک کروز به‌شدت آسیب رساندند و با شلیک موشک‌های هدایت‌شونده از سنگرهای مخفی، تعداد زیادی تانک زرهی را منهدم کردند. آن‌ها به‌صورت غیرمتمرکز در سطوح تاکتیکی، از پایگاه‌های شهری و کوهستانی خود، عمل کردند و نیروهای دفاعی اسرائیل را با انواع جنگ متعارف و غیرمتعارف خود شوکه کردند. (Ahluwalia, 2019, p. 2019). ژنرال جرج دبلیو کیسی^۱، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، گفت که نوع جدیدی از جنگ که در آینده به‌طور فزاینده‌ای رایج خواهد شد، «ترکیبی از جنگ‌های متعارف و نامنظم خواهد بود» (Gran, 2008).

این امر مستلزم تغییر استراتژی و تاکتیک امنیتی بود و بنابر این اسرائیل به‌دنبال استفاده از جنگ ترکیبی علیه حزب‌الله بود. تا قبل از جنگ سال ۲۰۰۶ که معمولاً به‌عنوان جنگ دوم لبنان شناخته می‌شود، اسرائیل در نبرد با نیروهای مقاومت از راهبردهای نظامی با عمق محدود استفاده می‌کرد. دلیل این بود که نیروهای مقاومت نیز در مناطق فلسطین و عمدتاً در غزه و کرانه باختری، تمرکز

1. George W. Casey

داشتند. این وضعیت منجر به کاهش قابل توجه هزینه‌های دفاعی در نیروهای زمینی (اعم از فعال و ذخیره)، آموزش، تدارکات و آمادگی لجستیکی شد. با این حال، جنگ لبنان ابعاد جدیدی از تهدید را برای اسرائیل روشن ساخت و در نتیجه فهم اسرائیل از ماهیت جنگ آینده تغییر یافت. حزب‌الله توانست با تسلیحات پیشرفته از جمله موشک‌های هدایت‌شونده ضدتانک، نارنجک پیشران موشک شامل آر.پی.جی ۲۹، راکت، خمپاره، مین، بمب‌های دست‌ساز و سیستم دفاع هوایی قابل حمل توسط انسان، کل پویش‌های جنگ را برای ارتش اسرائیل تغییر دهد (Johnson, 2010).

نمونه دیگری از جنگ ترکیبی علیه اسرائیل را می‌توان در رویکرد حماس دید. پس از عقب‌نشینی اسرائیل از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ و تسلط حماس بر این منطقه، روابط بین اسرائیل که نوار غزه را محاصره کرد و حماس و سایر گروه‌های فلسطینی در آنجا (به‌ویژه جهاد اسلامی) همواره پرتنش بوده است. این امر منجر به چندین «نبرد» شد که شامل عملیات هوایی و زمینی ارتش اسرائیل از یک سو و شلیک راکت و موشک توسط حماس علیه اسرائیل از سوی دیگر بود. جنگ‌های سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ نمونه‌هایی از این نبردها است.

سومین مرحله از نبردهای ترکیبی گروه‌های مقاومت را می‌توان به وقایع پس از بهار عربی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ دید. در این دوران اسرائیل همکاری‌های نظامی، اطلاعاتی و دیگر امنیتی خود را با مصر و اردن افزایش داد، روابط سه‌جانبه‌ای را با ایالات متحده و اردن در مواجهه با تشدید درگیری‌های سوریه ایجاد کرد (Gal, 2018) و روابط ضمنی با کشورهای حاشیه خلیج فارس را بهبود بخشید (Rabinovich & Brun, 2017, p. 107). پس از جنگ داخلی سوریه و حمایت جمهوری اسلامی ایران روسیه و حزب‌الله در سوریه، دخالت اسرائیل در آنجا نیز تشدید شد: روابط پنهانی با نیروهای شورشی ایجاد کرد و به غیرنظامیان در منطقه مرزی کمک‌های بشردوستانه ارائه کرد (Tsurkov, 2018).

جنگ ترکیبی محور مقاومت علیه اسرائیل با شروع طوفان الاقصی از سوی حماس در اکتبر ۲۰۲۳ وارد مرحله جدیدی شده است. در این مرحله حمله نیروهای مقاومت حماس بیش از هر زمانی آسیب‌پذیری اسرائیل را در بعد امنیتی به چالش کشیده است. عملیات طوفان الاقصی در حقیقت گویای مرحله‌ای جدید از نبرد ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل است. در این مرحله گروه‌های مقاومت حزب‌الله،

حماس، انصارالله و نیروهای مقاومت عراق ضمن به کارگیری ابزارهای سخت نظامی از حملات سایبری جهت آسیب رساندن به زیرساخت‌های اسرائیل استفاده می‌کنند. جنگ ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل قطعاً محدود به شرایط فعلی نخواهد بود و با توجه به تحول در فناوری نظامی و راهبردهای جنگ، در آینده نیز شاهد این نبرد در ابعاد و سطوح مختلفی خواهیم بود. اینکه آینده این نبرد و جنگ چه خواهد شد و به چه سمت و سویی خواهد رفت مسئله‌ای است که نیازمند شناسایی روندهای موجود است تا بتوان بر اساس آن مهم‌ترین پیشران‌های کلیدی را استخراج کرد.

۵. روندهای منازعه ترکیبی

پس از مرور ادبیات موجود، نویسندگان مقاله روندهای ترکیبی محور مقاومت در چندین حوزه ژئوپلیتیک، نظامی، فضایی و هسته‌ای و سایبری شناسایی کرده‌اند. فرایند انتخاب این روندها بر اساس استنباط نویسندگان از نظرات کارشناسان خبره در این حوزه بوده است. در این گزارش برخی از یافته‌های اساسی را در روایت و جداول خلاصه می‌کنیم.

جدول شماره ۱: روندهای منازعه ترکیبی محور مقاومت و اسرائیل

انواع روند	عنوان روند
روندهای سیاسی و ژئوپلیتیک	قطبی شدن فضای سیاسی اسرائیل
	افزایش انسجام میان نیروهای مقاومت
	افول هژمونی آمریکا
روندهای نظامی	کنترل فزاینده نیروهای مقاومت بر مناطق راهبردی دریایی
	افزایش مدرن‌سازی نیروهای نظامی قدرت‌های بزرگ
	افزایش قابلیت‌های نظامی قدرت‌های منطقه‌ای مثل ایران و محور مقاومت
	استفاده از تاکتیک‌های نبرد غیرمستقیم در منطقه خاکستری از سوی نیروهای مقاومت
	تضعیف انحصار قدرت دولت به‌عنوان یک کنشگر
	گسترش هوش مصنوعی به‌عنوان یک پیشران از فناوری‌های مخرب
	افزایش قابلیت‌های فضایی و موشکی ایران و نیروهای مقاومت

رقابتی شدن فزاینده فضا	روند هسته‌ای شدن و فضا
افزایش قدرت هسته‌ای ایران	
کنترل اطلاعات	
جاسوسی سایبری	روندهای سایبری
خرابکاری سایبری	
گسترش شبکه‌های اجتماعی و کاهش انحصار دولت‌ها بر اطلاعات	
افزایش حساسیت افکار عمومی دنیا نسبت به کشتار غیرنظامیان فلسطینی	روندهای شناختی
افزایش حساسیت نهادهای بین‌المللی به مسئله فلسطین	

(منبع: نویسندگان)

۵-۱. روندهای سیاسی و ژئوپلیتیک

پس‌زمینه بررسی منازعه ترکیبی میان محور مقاومت و اسرائیل در سال ۲۰۳۰، روندهای ژئوپلیتیکی است که محیط راهبردی مقاومت را شکل می‌دهند. گروه‌های مقاومت در سال‌های اخیر در نتیجه نقش‌آفرینی سپاه قدس ایران بیش از گذشته به سمت همگرایی در تاکتیک‌ها و راهبردهای دفاعی گام برداشته است. این انسجام پس از ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و ابو مهندس المهدی بیش از گذشته شده است. به‌گونه‌ای که امروزه گروه‌های مقاومت در عراق، سوریه، یمن، لبنان و فلسطین به‌طور فزاینده موضعی محکم در قبال اسرائیل و پایگاه‌های نظامی ایالات‌متحده در عراق و سوریه اتخاذ می‌کنند. این در حالی است که در سرزمین‌های اشغالی فضای سیاسی به‌طور فزاینده‌ای در حال دوقطبی شدن است. موضوعی که باعث ایجاد بن‌بست سیاسی در این اسرائیل در تأمین منابع بودجه دفاعی تا پاسخگویی منسجم و یکپارچه به بحران‌های منطقه‌ای و داخلی شده است (Porat, 2023, p.370). این ضعف‌های سیاسی هیچ نشانه‌ای از کاهش روند نشان نمی‌دهند و حتی در سال‌های آینده افزایش پیدا می‌کنند.

وجه دیگر روندهای ژئوپلیتیک، دسترسی و کنترل فزاینده نیروهای مقاومت بر شاه‌رگ‌های حیاتی جریان تجارت بین‌المللی در دریا است. از یک‌سو جمهوری اسلامی ایران با تسلط بر تنگه هرمز و خلیج فارس توانسته است نوعی بازدارندگی در جنگ ایجاد کند. از سوی دیگر نیروهای انصار الله یمن با کنترل تنگه باب‌المندب و دریای سرخ، مجاری تنفسی تجاری میان اسرائیل با دنیای خارج را محدودتر کنند.

این ظرفیت به‌ویژه پس از جنگ حماس علیه اسرائیل نمود عینی‌تری به خود گرفته است.

در درگیری کنونی، نیروهای مقاومت در یمن در جهت حمایت از مردم فلسطین، محدودیت‌های شدید علیه کشتی‌های ارسال شده به سمت اسرائیل اعمال کرده‌اند. از اواسط نوامبر، مقاومت یمن در حملات موشکی و پهپادی علیه کشتی‌های تجاری و نظامی شرکت کرده‌اند. یحیی سریع، سخنگوی مقاومت یمن بارها تهدید کرد که «همه کشتی‌هایی که در دریای سرخ به سمت بنادر اسرائیل حرکت می‌کنند، صرف‌نظر از پرچمی که دارند، هدف نیروهای مسلح ما خواهند شد» (Aljazeera, 2023). این فعالیت پیامدهای استراتژیک قابل‌توجهی دارد و نه‌تنها امنیت اسرائیل بلکه کل ترافیک دریایی از طریق کانال سوئز را نیز تهدید می‌کند.

۵-۲. روندهای نظامی

روندهای نظامی از بسیاری جهات منعکس‌کننده گرایش‌های ژئوپلیتیکی هستند. در سال‌های اخیر در نتیجه تحول و دستیابی نیروهای مقاومت و جمهوری اسلامی ایران به فناوری‌های نوین نظامی، اسرائیل دیگر نمی‌تواند به‌مانند گذشته از برتری نظامی خود اطمینان یابد. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر توانسته است به‌طور فزاینده‌ای به قابلیت‌های نامتقارن مانند قدرت موشکی و سایبری روی آورد (Bamberger, 2017, p.333-337). جمهوری اسلامی و شبکه‌های مقاومت اسلامی در حال تغییر تاکتیک‌های خود برای عملیات در منطقه خاکستری هستند. بخشی از موفقیت تاکتیک‌های منطقه خاکستری ناشی از استفاده از نقش کنشگران غیردولتی است. امروزه گروه‌های مقاومت به‌واسطه دستیابی به فناوری‌های نظامی و ارتباطات، برخلاف گذشته می‌توانند به سهولت امنیت اسرائیل را به چالش بکشند. استفاده از فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی می‌تواند توازن نظامی امروزی را بر هم بزند و در آینده مزیت نظامی رقابتی ایالات‌متحده و اسرائیل را به چالش بکشد. برتری نظامی عنصر اصلی است که اسرائیل برای حفظ موجودیت خود همواره بر آن تکیه کرده است. تئوری امنیت ملی اسرائیل همواره بر این اصل بوده تا زمانی که در سطح عمق استراتژیک آسیب‌پذیری وجود دارد، باید بر نیروی بازدارنده قوی تکیه کرد تا بقای رژیم را تضمین کند. باین‌حال، در نتیجه پیروزی‌های استراتژیک محور مقاومت در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و اسرائیل (۲۰۰۶)، جنگ‌های غزه (۲۰۰۸-۲۰۲۱) و جنگ قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای علیه سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۹)، تغییرات اساسی

رخ داده است که تهدیداتی را برای این رژیم به‌دنبال دارد؛ به‌گونه‌ای که تأثیرات بسیار جدی در سطح سرنوشت و موجودیت دولت اشغالگر اسرائیل دارد (Al Rabadi, 2023).

در این زمینه، پیروزی‌های مقاومت فلسطین در غزه در اکتبر ۲۰۲۳، امتداد این روند صعودی در جهت بازگرداندن توازن راهبردی بین محور مقاومت و اسرائیل بود؛ که طی آن اسرائیل متحمل شکست اطلاعاتی سخت شد و آن را به مرحله درماندگی رساند.

۳-۵. روندهای فضایی و هسته‌ای

توانایی استفاده از دارایی‌های مبتنی بر فضا برای اطلاعات، ارتباطات و ناوبری از دیرباز یکی از سنگ بنای مزیت قدرت‌های برتر مثل ایالات‌متحده بوده است، اما در نتیجه تحول در دسترسی سایر قدرت‌های ضد هژمون مثل چین، روسیه و ایران، دیگر نمی‌توان برتری مطلق ایالات‌متحده در این زمینه را در آینده متصور بود. نخست اینکه، فضا در حال تبدیل شدن به یک محیط رقابتی فزاینده است؛ زیرا کشورهایی مثل چین و روسیه و ایران توانایی‌های خود را برای از کار انداختن و نابود کردن ماهواره‌ها تا سال ۲۰۳۰ بهبود می‌بخشند (Cohen et al, 2020, p.22). این موضوع یعنی تضعیف قدرت ایالات‌متحده و اسرائیل و در مقابل تقویت ایران و شبکه محور مقاومت اسلامی.

روندهای هسته‌ای تصویر روشن‌تری از آینده ارائه می‌دهند. در سال‌های اخیر جمهوری اسلامی ایران با دستیابی به فناوری‌های سطح بالای هسته‌ای یک تهدید جدی از سوی غرب و ایالات‌متحده تلقی می‌شود. در صورت تداوم این وضعیت و شکست غرب در دستیابی به چهارچوب تفاهم با جمهوری اسلامی ایران، قدرت بازدارندگی ایران در این حوزه بیش‌ازپیش تقویت خواهد شد. این موضوع به‌ویژه برای اسرائیل که تا سال‌های اخیر به دلیل انحصار در فناوری هسته‌ای حاشیه امنی ایجاد کرده بود، می‌تواند توانمندی آن را خدشه‌دار کند.

۴-۵. روندهای سایبری

همان‌طور که جهان به‌تدریج دیجیتالی می‌شود، عملیات سایبری نقش حیاتی فزاینده‌ای در جنگ، به‌ویژه در سه حوزه ایفا می‌کند. اول، کنترل دامنه سایبری به‌طور فزاینده‌ای برای ثبات داخلی تبدیل خواهد شد؛ اما همه دولت‌ها نگران

جلوگیری از استفاده از دامنه سایبری به عنوان ابزاری برای براندازی خارجی هستند. داده‌های بیشتر دیجیتالی شده و در فضای ابری نگهداری می‌شوند، دامنه سایبری به هدف اصلی تلاش‌های جاسوسی تبدیل می‌شود (Economy, 2018). سرانجام، خرابکاری سایبری می‌تواند نقش مهمی را در جنگ در سال ۲۰۳۰ ایفا کند.

اسرائیل به دلیل دسترسی به فناوری پیشرفته هوش مصنوعی، در خط مقدم کنشگران حوزه جنگ سایبری محسوب می‌شود. این رژیم نه تنها بر اساس استانداردهای منطقه‌ای، بلکه در سطح جهانی نیز یک نیروگاه امنیت سایبری است و یک سوم از «تک‌شاخ‌های» امنیت سایبری در سراسر جهان و ۴۱ درصد سرمایه‌گذاری در این بخش را به خود اختصاص داده است (Ibrahim, 2022) که به آن توانایی تهاجمی داده است. اسرائیل از فضای سایبری برای آسیب رساندن به قابلیت‌های نظامی ایران، گُند کردن برنامه هسته‌ای آن، ایجاد احساس ناامنی و همچنین پیروزی در نبرد شناختی استفاده می‌کند. با این حال جمهوری اسلامی ایران و شبکه‌های مقاومت وابسته به آن در سال‌های اخیر، با انجام اقداماتی متقابل مزیت راهبردی اسرائیل را در حوزه فناوری سایبری به چالش کشیده‌اند. امروزه گروه‌های هکری همچون بلاک شادو، عصای موسی و دستان باز را می‌توان یگان‌های مبارزی در سطح گردان‌های عزالدین قسام به شمار آورد که توانسته‌اند ضربات قابل توجهی به اسرائیل وارد کنند. هک ایمیل‌های رئیس موساد، هم‌چنین بنی گانتس وزیر جنگ، حمله به زیرساخت‌های آب اسرائیل و ... از جمله اقدامات سایبری محور مقاومت علیه صهیونیستی است.

به گفته یک شرکت امنیت سایبری پیشرو اسرائیل - آمریکایی، هکرهای ایرانی یک کمپین جاسوسی پیچیده را با هدف قرار دادن رقبای کشور در سراسر خاورمیانه و حمله به آژانس‌های اطلاعاتی و دفاعی کلیدی به راه انداخته‌اند که نشانه‌ای از این است که چگونه حملات سایبری در حال بهبود سریع ایران به یک قدرت جدید و مهم تبدیل شده است. این وضعیت گویای روندی است که نیروهای مقاومت در آینده جایگاه مهمی در معادلات جنگ خواهند داشت (نیویورک تایمز، ۲۰۲۳).

۵-۵. روندهای جنگ شناختی

امروزه گسترش شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در فضای مجازی و ارتباطات جمعی اگرچه مرزها را درنوردیده و ماهیتی جهانی پیدا کرده است، اما در عین حال به ابزاری

جدید در صحنه جنگ‌طلبی و سلطه جریان کنونی برای تسلط بر نظم جهانی تبدیل شده است.

موج چهارم و جنگ‌های ترکیبی که با محوریت جنگ‌های شناختی و ادراکی و استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی صورت می‌گیرد، سعی می‌کند با تکنیک وارونه جلوه دادن و تحریف حقایق، دانش و ادراک مخاطب از محیط اطراف خود را تغییر دهد و با انجام این کار، اراده خود را بر جوامع هدف تحمیل می‌کند. شبهه افکنی در مبانی نظام سیاسی و دینی، تضعیف ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌گذاری ضد ارزش‌ها، ایجاد تفرقه و جدایی در جوامع، فرهنگ‌زدایی و فرهنگ‌سازی هدفمند، تغییر سبک زندگی، تحریف تاریخ و تطهیر استبداد و استعمار، تحقیر اموال، از بین بردن امید و اعتماد به نفس و ... یکی از ابزارهایی است که در حین استفاده از این استراتژی توسط دشمنان مورد استفاده قرار می‌گیرد (سلماسی، ۸۵: ۱۳۸۸).

استفاده از ابزار قدرت نرم و نفوذ فرهنگی برای تأثیرگذاری بر اذهان، افکار و باورهای مردم با هدف تغییر نگرش، مهم‌ترین راهبرد غرب در برابر نظام‌های سیاسی و ملت‌هایی است که هنوز وارد دایره پیرامونی قدرت‌های بزرگ نشده‌اند و استقلال خود را حفظ کرده‌اند. در چنین فرایندی نهایتاً قدرت تفکر از فرد و جامعه سلب می‌شود، سپس فرد در مسیری قرار می‌گیرد که دشمن برای او در نظر گرفته است، مهم‌ترین اقدام متقابل، اقدام فعال با رویکرد تهاجمی است که می‌تواند به چالش کشیدن «حمایت» محور مقابل، در این استراتژی است.

در مورد اسرائیل باید گفت این رژیم تلاش دارد با استفاده از امپریالیسم رسانه‌ای غرب، روایت مطلوب خود را علیه مقاومت اسلامی در افکار عمومی دنیا نهادینه سازد. با این حال محور مقاومت اسلامی در این مسیر هم در سال‌های اخیر توانسته است این وجه از مقاومت در جنگ شناختی را به‌خوبی مدیریت کند. اسرائیل که مدت‌ها در استفاده از تبلیغات در درگیری‌های منطقه‌ای و ژئوپلیتیک گسترده‌تر مهارت داشت، رسانه‌های اجتماعی را به طرز ماهرانه‌ای در استراتژی ارتباطی خود گنجانده است. طی سال‌ها، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی تفسیرهای طرفدار فلسطین را سانسور کرده و با درخواست‌های اسرائیل برای حذف محتوای ضد اسرائیل موافقت کرده‌اند. با این حال، فلسطینی‌ها به‌طور فزاینده‌ای از پلتفرم‌هایی مانند X و TikTok برای تقویت صدای خود استفاده می‌کنند و سلطه رسانه‌ای اسرائیل را به چالش می‌کشند. این تغییر در چشم‌انداز اطلاعاتی، به‌ویژه پس از گزارش سال ۲۰۰۹ سازمان ملل در

مورد نقض حقوق بشر و رشد روایت‌های مخالف، به‌ویژه از سوی حماس، شاهد فرسایش تدریجی حمایت از روایت‌های اسرائیل بوده است (Jensen & Ramjee, 2023). اسرائیل به‌طور سنتی خود را به‌عنوان یک دموکراسی آسیب‌پذیر در میان همسایگان متخاصم معرفی می‌کرد و اقدامات نظامی خود را به‌عنوان دفاع از خود توجیه می‌کرد. با این حال، استفاده استراتژیک حماس از رسانه‌های اجتماعی، که خشونت اسرائیل علیه فلسطینیان را به تصویر می‌کشد، این روایت را تضعیف کرده است. سیل تصاویر و ویدیوهای بی‌درنگ از خشونت‌های بعدی پس از حملات ۷ اکتبر، در این درک در حال تغییر نقش اساسی داشته است (Jensen & Ramjee, 2023).

۶. پیش‌ران‌های آینده جنگ ترکیبی مقاومت

محور مقاومت با محوریت حزب‌الله احتمالاً بهترین الگو برای درگیری‌ها و جنگ‌های ترکیبی آینده است. حزب‌الله یک مورد عمدتاً موفق از یک بازیگر غیردولتی است و یک نیروی سیاسی مهم در کشور اصلی خود (لبنان) با قابلیت‌های نظامی برای درگیری با سایر نیروهای مسلح سایر کنشگران است. موفقیت حزب‌الله به این معناست که این حزب به الگویی برای سایر گروه‌های مقاومت تبدیل شده است. جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ با اسرائیل، الهام‌بخش حماس فلسطینی بود؛ با این حال پیشگامی اسرائیل در حوزه فناوری‌های شناختی و استفاده از امپراتوری رسانه‌ای غرب، میدان نبرد برای محور مقاومت را پیچیده کرده است؛ بنابراین در چنین شرایطی برای غلبه بر عدم قطعیت‌ها، شناسایی پیش‌ران‌های حاکم بر نبرد ترکیبی است. در اینجا تلاش می‌شود با شناسایی پیش‌ران‌های جنگ ترکیبی در آینده، عدم قطعیت‌های حاکم بر فضای پیچیده تقابل محور مقاومت و اسرائیل مدیریت شود.

۶-۱. استفاده بهینه از فناوری‌های نوین

همان‌طور که اشاره شد، جنگ ترکیبی موضوعی جدید نیست. آنچه جدید است، ظهور ابزارهای جدید است، فناوری‌هایی که عمدتاً در حوزه اطلاعاتی هستند که میدان نبرد را پیچیده کرده‌اند. در عصر حاضر زمان تصمیم‌گیری بسیار فشرده است. فناوری‌های تجاری که می‌توانند در مفهوم نظامی به کار گرفته شوند، در دسترس بازیگران دولتی و غیردولتی هستند. ابزارهای سایبری و اطلاعاتی با پلتفرم‌ها تعامل دارند. این موجب پیچیدگی جهان شده است.

هرچه نیروهای مقاومت بیشتر به فناوری پیشرفته تکیه کنند، بیشتر اسرائیل را در معرض حملات قرار می‌دهند و با توجه به پیشگامی اسرائیل در حوزه فناوری، احتمالاً شاهد افزایش جنگ‌های شناختی و سایبری خواهیم بود. چنانچه نیروهای مقاومت به‌مانند حوزه سخت نظامی، بتوانند پیشگامی اسرائیل را در حوزه فناوری‌های نوین به چالش بکشند، بازدارندگی این رژیم به‌مراتب کاهش پیدا می‌کند.

در نتیجه، می‌توان انتظار نوعی جنگ ترکیبی بین اسرائیل و محور مقاومت را داشت که در آن فضای سایبری و شناختی بدون جایگزینی روش‌های مرسوم‌تر، نقش مهمی را ایفا می‌کند. در این شکل نسبتاً جدید جنگ، اگرچه ممکن است نسبت به نسخه‌های سنتی کمتر وحشتناک به نظر برسد، عواقب آن می‌تواند به همان اندازه وحشتناک و بسته به اینکه به چه سیستم‌هایی مورد حمله قرار می‌گیرد، مخرب‌تر باشد.

۶-۲. توانایی ائتلاف‌سازی منطقه‌ای

مقابله با تهدیدات ترکیبی به‌تنهایی دشوار است؛ بنابراین، همکاری با شرکا ضروری است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تقویت همکاری‌های منطقه‌ای آثار جنگ ترکیبی را به حداقل برساند. در سال‌های اخیر اسرائیل با کمک ایالات متحده تلاش کرده با طرح معامله قرن وارد عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی منطقه شود تا مسئله فلسطین در جهان اسلام به فراموشی رود. واقعیت این است که این طرح مخاطرات احتمالی سیاسی و امنیتی را برای محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران در پی داشته است.

با این حال امروزه آموزه مقاومت در مقابل امپریالیسم روزبه‌روز در حال شکوفا شدن است. اگرچه بسیاری از آموزه‌های مقاومت به لحاظ ایدئولوژیک با مقاومت اسلامی به‌طور کامل انطباق ندارد، شکل‌گیری نوعی مقابله با محور استکبار در مناطقی مثل غرب آسیا، اوراسیا و آمریکای لاتین، زمینه‌ساز نوعی همکاری‌ها و ائتلاف‌سازی است. محور مقاومت می‌تواند با استفاده از زیرساخت‌های کشورهای مثل روسیه با تهدیدات ترکیبی و ترکیبی مقابله کند؛ بنابراین، میزان ائتلاف‌سازی و عمق همکاری‌های منطقه‌ای تأثیر عمیقی بر آینده نبرد ترکیبی مقاومت خواهد داشت.

۳-۶. توانایی بازدارندگی شناختی و تصویرسازی

جنگ شناختی جنگ تسخیر قلبها و ذهنهای افراد است. اسرائیل در سالهای اخیر به واسطه دسترسی به امپراتوری رسانه‌ای توانسته است، واقعیت‌های محور مقاومت را در اذهان عمومی تحریف کرده و آن را در راستای منافع صهیونیسم به کار گیرد. در این راستا می‌توان به جهاد در حوزه تبیین، واقعیت‌های نهفته در پشت تبلیغات سوء دشمنان آشکار کرد و حقانیت محور مقاومت را به افکار عمومی شناساند. اهمیت این موضوع آنجا بیشتر می‌شود که اسرائیل از مشروعیت داخلی حداقلی برخوردار است. این شرایط می‌تواند زمینه‌ساز تحرک شناختی برای نیروهای مقاومت در آینده باشد. به‌کارگیری شبکه‌های مدرن اجتماعی و سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند جریان نبرد را هرچه بهتر به سوی محور مقاومت تغییر دهد.

۴-۶. ایجاد فرهنگ راهبردی مقاومت

یکی از راهبردهای پیشبرد دامنه و اثربخشی مقاومت، افزایش نفوذ استراتژیک است. به این معنا که بتواند مخاطبان هدف را با ارزش‌های عمیق فرهنگی سازگار کرد. اسلام از جمله نظام ارزش‌های فرهنگی است و مقاومت اسلامی نیز جذابیت فرهنگی گسترده‌ای دارد. انقلاب اسلامی نیز در عمل چنین مسیری را در پیش گرفته است که مقاومت و تکلیف اسلامی یکی است و پایبندی مؤمنانه به مقاومت اسلامی درنهایت پیروز است؛ بنابراین، ایران اغلب از فرهنگ فارسی، فرهنگ اسلامی و یا فرهنگ مقاومت برای جلب حمایت استفاده می‌کند (Wastnidge, 2014).

جمهوری اسلامی ایران برای بسیج در چهارچوبها / اسطوره‌های فرهنگی باید پیام خود را بر اساس مخاطبان تطبیق دهد. درجایی که پایبندی به نظام ولایت مطرح است، اقتدار، اطاعت و وفاداری برای حفظ و گسترش دامنه نفوذ، بسیج مخاطبان و از بین بردن اراده دشمن فراخوانده شود.

جایی که پایبندی به ولایت نظام مطرح نیست، اما مخاطب سایر مسلمانان است؛ به چهارچوب‌های فرهنگی / اسطوره‌های پیروزی اسلام بر هژمونی و امپریالیسم غرب متوسل شود که انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ نمونه و الگوی اولیه آن است. درجایی که اسلام در بازی نیست، مقاومت به روشی گسترده‌تر برای جلب احساس گسترده قربانی شدن، استثمار و تحقیر استفاده می‌شود. چنین وضعیتی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش نفوذ مقاومت در آینده باشد؛ بنابراین، درحالی‌که تمرکز بر قدرت سخت گروه‌های مقاومت امری مهم است، نفوذ استراتژیک ایجاب می‌کند که اهمیت قدرت

رسانه‌ای و پیام‌رسانی را نمی‌توان نادیده گرفت. بلکه باید در کانون توجه قرار گیرد. حمایت جمهوری اسلامی از نیروهای مقاومت می‌تواند تأمین‌کننده دو هدف مهم سیاست خارجی باشد. نخست، ظرفیت مبارزه با اسرائیل را از طریق یک جنگ نیابتی افزایش می‌دهد و دوم اینکه گسترش نفوذ اسلام شیعی در لبنان از طریق نقش در حال توسعه حزب‌الله در آنجا (El-Husseini, 2007) دقیقاً همین آمیختگی صمیمی و پیچیده قدرت و معنا است که بن‌مایه نفوذ استراتژیک است. در حالی که نیروهای مقاومت در نبردهای نظامی همچنان به سطح بازدارندگی کامل نرسیده‌اند، استفاده از قدرت شناختی می‌تواند اثربخشی و قابلیت‌های آن را با هزینه کمتر ارتقا دهد. چنانچه محور مقاومت بتواند در عرصه شناختی بازدارندگی ایجاد کند، در آینده شرایط به مراتب بهتر خواهد داشت.

۷. نمای آینده

با توجه به روندهای گفته شده در بالا منطقی است که بگوییم ماهیت چالش‌های پیش روی دولت اشغالگر در سطح ساختار و مفهوم امنیت ملی آن به شکلی شگرف و اساسی تغییر کرده است؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ♦ محور مقاومت هم‌اکنون دارای قابلیت‌های تسلیحاتی عظیمی است که می‌تواند کل خاک سرزمین‌های اشغالی را تحت پوشش قرار دهد؛
- ♦ ارتش سوریه و حزب‌الله تجربه نظامی تهاجمی در نتیجه جنگ چریکی با جنبش‌های تروریستی مورد حمایت غرب و اسرائیل دارند؛
- ♦ محور مقاومت استراتژی نظامی خود را بر اساس ضربه زدن به برتری هوایی و دریایی اسرائیل تدوین کرد.

در اینجا باید اذعان داشت که پیروزی‌های محور مقاومت بر اسرائیل در جنگ‌های لبنان، غزه و سوریه، نقطه عطف استراتژیک و چالشی واقعی برای اسرائیل از نظر قدرت بازدارندگی و عملکرد رژیم است. سرویس‌های اطلاعاتی این رژیم در حال حاضر از تضعیف مهم‌ترین عناصر بازدارندگی خود رنج می‌برد؛ بنابراین، هرگونه رویارویی نظامی جدید پیچیده خواهد بود و به کل منطقه سرایت خواهد کرد.

به نظر می‌رسد که دولت اشغالگر در نتیجه توسعه و پختگی تجربیات محور مقاومت که اکنون دارای بینش نظامی و سیاسی با رویکردی منطقی و عقلانی است، هرگز به اندازه امروز چه در سطح فکری و چه در سطح عمل مورد تهدید قرار نگرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت جنگ‌های باخت اسرائیل و ناتوانی آن در دستیابی به هر

یک از اهداف خود در سوریه، غزه یا لبنان، گواه قطعی برتری محور مقاومت در همه سطوح است.

در این زمینه می‌توان تأکید کرد که احتمالاً در آینده ناگزیر شاهد جنگ و رویارویی همه‌جانبه خواهیم بود. جنگی متعارف که فقط در سرزمین‌های عربی رخ می‌دهد و با توجه به دستیابی گروه‌های مقاومت به فناوری‌های موشکی و نظامی، اسرائیل به‌مانند گذشته دارای برتری نظامی نخواهد بود و ابتکار عمل را ندارد. شاید دولت اشغالگر بتواند آن جنگ را آغاز کند، اما مهم‌تر این است که چگونه آن را مدیریت و به پایان برساند. این احتمال وجود دارد که این جنگ ناگزیر به تمام خیابان‌های خود اسرائیل برسد.

اصولاً با توجه به روند توسعه راهبرد محور مقاومت در مبارزه با اسرائیل در طول سال‌های گذشته، می‌توان بر امکان و توانایی محور مقاومت برای حمله همه‌جانبه به اسرائیل (و نه صرفاً اتخاذ سیاست تدافعی) تأکید کرد. از طریق رگبار پهپادها و موشک‌ها از همه محورها (ایران، عراق، یمن، لبنان، سوریه، غزه) که با حمله الکترونیکی همراه خواهد بود، به‌طوری‌که سامانه دفاعی «گنبد آهنین» قادر به مقابله کامل با چنین بزرگی نیست. ناگفته نماند که این مصادف خواهد بود با احتمال حمله زمینی در مقیاس وسیع در تمام مرزهای داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین. به‌ویژه اینکه حزب‌الله به‌ویژه دارای قابلیت‌های نظامی عظیمی است که آن را قادر می‌سازد مناطق شمال اسرائیل را اشغال کند و عواقب ناگواری برای این رژیم به همراه داشته باشد.

ضمن اینکه موقعیت راهبردی و استراتژیک نیروهای مقاومت و کنترل بر شاهرگ‌های حیاتی تجارت بین‌المللی در دریاها چنانچه با پیشرفت‌های نظامی همراه شود امکان برتری نظامی و راهبردی محور مقاومت را در آینده تضمین خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

جنگ ترکیبی متشکل از به‌کارگیری سیستم‌های متعارف و غیرمتعارف جنگی، عملیات منظم و نامنظم، آشکار و پنهان، در سطوح استراتژیک و تاکتیکی است. پرواضح است که چشم‌انداز امنیتی به‌طور فزاینده‌ای پیچیده، چندلایه و چندبعدی می‌شود، اما درک تهدیداتی که دولت - ملت‌ها با آن مواجه هستند، روزبه‌روز دشوارتر می‌شود. امروزه کنشگران به‌عنوان بخشی از استراتژی خود، ترکیبی از

آسیب‌پذیری‌های ساختاری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی حیاتی را مطالعه می‌کنند و برنامه‌ریزی می‌کنند تا آن‌ها را با عناصر و ابزارهای ترکیبی مختلف هدف قرار دهند. در واقع، ماهیت و شدت تهدیدات بر اساس ایده‌های نوآورانه و پیشرفت‌های فناوریانه مدام در حال تغییر است. در چنین فضای جنگ ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل نیز در آینده در حال تحول است.

اسرائیل نمی‌تواند به‌مانند گذشته از برتری نظامی خود در مقابل نیروهای مقاومت اطمینان کسب کند. تجربه جنگ‌های حزب‌الله و حماس به‌خوبی آسیب‌پذیری این رژیم را آشکار ساخته است. با این حال نبرد ترکیبی محور مقاومت علیه اسرائیل با چالش‌های اساسی روبرو است که مهم‌ترین آن حمایت همه‌جانبه غرب و ایالات‌متحده در محورهای گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و شناختی است. در چنین شرایطی، در کنار بهبود و افزایش کارآمدی نظامی، محور مقاومت نیازمند تسخیر اذهان و قلب‌های ملت‌های آزادی‌خواه با استفاده جنگ شناختی متقابل است. محور مقاومت در عرصه جنگ ترکیبی باید در مرحله‌ای از بازدارندگی برسد تا بتواند هم‌زمان با تهدیدهای سخت، در عرصه شناخت نیز جایگاه برتر داشته باشد. همچنین ایجاد فرهنگ راهبردی مقاومت در سطح منطقه‌ای، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین جنگ و توانایی ائتلاف‌سازی منطقه‌ای نقشی تعیین‌کننده در آینده این نبرد خواهد داشت.

فهرست منابع

- رسولی ثانی آبادی، الهام؛ روستایی، مجتبی (۱۳۹۸)، *موازنه تهدید و اتحاد اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت*، فصلنامه مطالعات خاورمیانه ۲۶(۳).
- پدرام، عبدالرحیم؛ احمدیان، مهدی (۱۳۹۴). *آموزه‌ها و آموزه‌های آینده‌پژوهی*. تهران. انتشارات افق راهبردی.
- سلماسی، یعقوب (۱۳۸۸)، *نظریه‌های تکاملی جنگ*، فصلنامه علوم و فنون نظامی. ۱۴(۶).
- یزدانی، عنایت‌الله؛ عیدی نیشابوری، جعفر (۱۴۰۲)، *بررسی تهدیدات ترکیبی علیه محور مقاومت*، فصلنامه تهدید پژوهی، ۱(۱).

References

- Ahluwalia, V. K. (2019). Hybrid warfare: Battlegrounds of the future. *CLAWS Journal*, 12(2), 15-34.
- Al Rabadi.S 9'2023). "The Axis Of Resistance And The Problematics Of Israeli National Security". Retrieved from: https://russiancouncil.ru/en/blogs/salam_alrabadi-en/the-axis-of-resistance-and-the-problematics-of-israeli-national-securi/
- Aljazeera (2023). "Yemen's Houthis warn they will target all Israel-bound ships in Red Sea". Retrieved from:
- Bamberger, L. (2017). International Institute for Strategic Studies: The Military Balance 2017. 2017. SIRIUS-Zeitschrift für Strategische Analysen, 1(3), 309-310.
- Center, N. C. (2018). Foreign economic espionage in cyberspace. Washington, DC: Office of the Director of National Intelligence.
- Cohen, R. S., Chandler, N., Efron, S., Frederick, B., Han, E., Klein, K., ... & Shokh, Y. (2020). The future of warfare in 2030. Rand Corporation, 46.
- Deep, A. (2015) 'Hybrid War: Old Concept, New Techniques', Small Wars Journal. Available at: <https://smallwarsjournal.com/j...>
- Economy, E. C. (2018). The great firewall of China: Xi Jinping's internet shutdown. *The Guardian*, 29.
- El-Husseini, R. (2007). JUDITH PALMER HARIKHezbollah: The Changing Face of Terrorism (London: IB Tauris, 2004). Pp. 255. \$24.95 cloth. *International Journal of Middle East Studies*, 39(1), 139-140.
- Gal, Y. (2018). Fruit of Israeli-Jordanian peace still on the tree. Retrieved from: <https://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-5209464,00.html>. Accessed 03-30-2024.
- Ganor, B. (2019) Global Alert: the rationality of modern Islamist terrorism and the challenge to the liberal democratic world. New York: Colombia University Press.
- Grant, G. (2008). Hybrid Wars: What if the battles of the future are neither conventional nor irregular, but a combination of both?. Government Executive.
- Hoffman, F.G. (2007) Conflict in the 21st Century: The rise of Hybrid Wars. Arlington, VA: Potomac Institute for Policy Studies.
- <https://www.aljazeera.com/news/2023/12/9/yemens-houthis-warn-they-will-target-all-israel-bound-ships-in-red-sea>
- <https://www.nytimes.com/2023/10/31/world/middleeast/iran-israel-cyberattacks.html>
- Ibrahim.A (2022). "Israel's Cyber Prowess: A Benchmark in Cyber Warfare". Center for Strategic and contemporary research. Retrieved from: <https://cscr.pk/explore/themes/defense-security/israels-cyber-prowess-a-benchmark-in-cyber-warfare/#:~:text=In%20the%20first%20half%20of,continue%20in%20the%20coming%20years>.
- Jasper, S. and Moreland, S. (2014) 'The Islamic State is a Hybrid Threat: Why does that matter', *Small Wars Journal*, 1(11).
- Jensen, B and Ramjee,D (2023). "Beyond Bullets and Bombs: The Rising Tide of Information War in International Affairs". Retrieved from:

<https://www.csis.org/analysis/beyond-bullets-and-bombs-rising-tide-information-war-international-affairs>.

- Jensen.B & Ramjee. D(2023). “Beyond Bullets and Bombs: The Rising Tide of Information War in International Affairs”. The Center for Strategic and International Studies (CSIS). Retrieved from: <https://www.csis.org/analysis/beyond-bullets-and-bombs-rising-tide-information-war-international-affairs>
- Johnson.D (2010), “Military Capabilities for Hybrid War: Insights from Israel Defense Forces in Lebanon and Gaza”, RAND Corporation Report, Prepared for the United States Army, Available at: https://www.rand.org/pubs/occasional_papers/OP285.html, (Accessed on 26 August 2019).
- Kan (2020b) ‘Zman Emet’, chapter 18 season 3: Danger is clear and precise’. Broadcast on Channel kan11 Israel on February 17, 2020. Available at: <https://www.youtube.com/watch?...>
- New york Times(2018). “In Cyberattacks, Iran Shows Signs of Improved Hacking Capabilities”. Retrieved from:
- Porat, I. (2023). Political Polarisation and the Constitutional Crisis in Israel. Israel Law Review, 56(3), 369-384.
- Rabinovich, I., & Brun, I. (2017). Israel facing a new Middle East: in search of a national security strategy. Hoover Institution Press.
- Susser.A (2019), “Israel’s Foreign Policy: Search for Security”, Lecture in Round Table Organised by Institute of Defence Studies and Analyses (IDSA), 2 May.
- Tsurkov, E. (2018). Inside Israel’s Secret Program to Back Syrian Rebels. Foreign Policy, 1.
- Wastnidge, E. (2014). Special Issue Article The Modalities of Iranian Soft Power: From Cultural Diplomacy to Soft War.